

مصَدَّق: حقوق، اقتصاد و سیاست

(۱)

یک از ده ها کتاب و مجموعه تاریخی بسیار پر ارزشی را که آقای **ایرج افشار** برای خدمت به ایران و ایرانی تهیه و تدوین نموده کتابی است به نام **مصَدَّق و مسائل حقوق و سیاست**. در این گردآوری بسیار مهم تاریخی، دو بخش اول و دوم به ترتیب مربوط است به: (اول) رساله های حقوقی و مالی دکتر محمد مصدق (دوم) مقالات آن شادروان. این کتاب بسیار ارزشمند دارای ۵۴۳ صفحه است و علاوه بر اسناد و مدارک بی شمار دیگر شامل عکس ها ی بسیاری است که در انتشارات مشابه کم تر به چشم می خورد.

با تقدیم بیشترین احترام به آقای **ایرج افشار** و نیز با آرزوی سلامتی و عمری طولانی برای ایشان که بتوانند همچنان در راهی که با عشق و علاقه کم نظیر به خدمتگزاری در راه حفظ و حراست از تاریخ مردم و ملت ایران مشغول بوده اند ادامه طریق داده و به همان نحوی که خواستار آن بوده اند به هدف نهائی خود در روندی که همه عمر دنبال کرده اند دست یابند.

قسمت **مصَدَّق: حقوق، اقتصاد و سیاست** را با درج چند رساله و مقاله زنده یاد دکتر محمد مصدق که در کتاب جدید آقای **ایرج افشار** مشاهده شد آغاز می کنیم و خواندن این کتاب را به عموم جوانانی که آزادیخواهی و استقلال ایران را به رسم مصدق بزرگ میجویند توصیه می کنیم.

برگرفته از کتاب فوق:

کاپیتولاسیون* و ایران**

قسمت اول

در رفتار دول اروپا

نسبت به اتباع یکدیگر

در قرون وسطی^۱ در مملکت اروپا طریقه قانون شخصی و قانون سرزمینی معمول و متداول بوده. طریقه قانون شخصی آن است که اگر ساکنین یک نقطه به سرزمین دیگری می رفتند در هر نقطه که بودند قانون وطن آنها درباره آنها اجرا می شد.

در صورتی که بر حسب طریقه قانون سرزمینی، هر شخص خارجه که وارد خاکی می شد قواعد محلی در حق او مجری [بود] و به هیچ وجه رعایت حقوق اصلی او را نمی نمودند.

عیب طریقه اول این بود که هر مملکتی باید از حقوق ممالک دیگر مستحضر و مسبوق باشد تا اینکه بتواند آنها را در حق مهاجرین مجری و معمول دارد، و بعلاوه ممکن بود که حقوق اصلی به آنها حقی می داد که اتباع داخله بر حسب قواعد محلی خودشان از آن محروم باشند.

چگونه می شد برای مهاجرین خارجه حقی و امتیازی را رعایت نمود با اینکه تبعه داخله که احق از آنها هستند از آن حقوق بی نصیب باشند؟

در طریقه دوم نقص این بود که هر کس از خاک اصلی خود به محل دیگری می رفت باید از قواعدی که سالها در حق او اجرا [شده] و عادت به آنها نموده است صرف نظر و

* در صفحه عنوان چنین آمده ولی بعد همه جا با «ت» ضبط شده است.

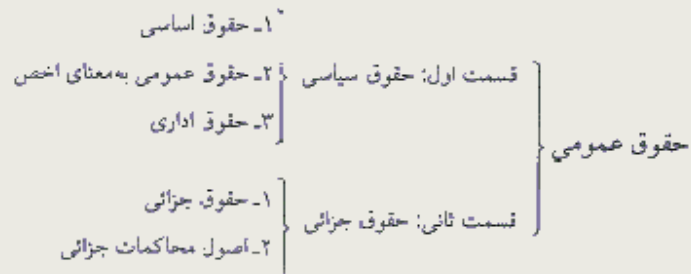
** نشر اول: ۴ ذی الحجه ۱۳۳۲ / آبان ۱۲۹۳

خود را مطیع قواعد محلی نماید.

پس به سبب این عیب و نقص ناچار شدند شکل دیگری به میان آورند که ما برای دانستن آن محتاج به یک مقدمه هستیم و آن این است که در داخله هر مملکتی^۲ قواعد حقوقیه به دو قسم تقسیم می شوند: حقوق عمومی و حقوق خصوصی.

۱- حقوق عمومی

حقوق عمومی حقوقی را گویند که حاکم و حافظ روابط بین دولت و ساکنین یک مملکتی باشد و این حقوق را ما به دو قسم تقسیم می نماییم.



برای اینکه درست معلوم شود این تقسیمات برای چیست، دو مثال ذکر می نمایم که مطلب روشن و واضح گردد.

قانون اساسی ایران در اصل پانزدهم می گوید: «هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیة قیمت عادلانه است.» پس قانون اساسی این حق را به دولت می دهد که ملک را از تصرف مالک بیرون کند ولی با مجوز شرعی.

مجوز شرعی چیست؟ آیا برای اینکه دولت از این حقی که ماده پانزدهم به آن داده هر وقت بخواهد استفاده نماید و منافع عمومی اقتضا نماید که ملکی را از تصرف مالکش خارج نماید باید از محاکم شرعی کسب فتوی نماید؟ خیر، بلکه باید قانونی وضع شود که مخالف با شرع نباشد و دولت بتواند هر زمان که نفع عموم تقاضا می نماید مالک ملک را مجبور به فروش نماید بدون اینکه در هر موردی از موارد محتاج باشد که از محاکم شرعیه طلب فتوی نماید و این قانون که وضع شد و آنچه از این قبیل قوانین که

وضع شود مجموع آنها موضوع حقوق عمومی به معنای اخص را تشکیل می‌نمایند. پس از آن که دولت بر حسب این قانون محق شد که در موارد لازمه مالک ملکی را مجبور به فروش نماید چگونه باید او را مجبور نمود و چگونه باید ملک را تقویم کرد و چه نحو باید قیمت آن را ادا نمود. مجموع این قواعد موضوع حقوق اداری را فراهم می‌نماید.

اما در خصوص حقوق جزائی. حقوق جزائی ممالک متمدنه خیلی از مسائل در بر دارد که در حقوق جزائی اسلام به تفصیل حکمی وارد نشده، زیرا که در آن ایام احتیاجی نداشتند. اگر چه به طور کلی عقیده ما این است که هر حادثه روی دهد تا زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه بطور عموم و اطلاق در هر موردی شرع مقدس بدون حکم نیست.

و امروزه اگر بخواهند کسی را مجازات نمایند بدون قانون نمی‌شود، نه فقط برخلاف قانون اسلام است بلکه برخلاف قواعد اروپائی است که از دولت روم قدیم می‌گویند بدون قانون مجازاتی نیست، تا قانون یک فعلی را خلاف تصور نکند و سیاستی معین ننموده باشد احدی را نمی‌توان مجازات نمود.

اصل سیزدهم قانون اساسی می‌گوید: «منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است. در هیچ مسکنی قهر نمی‌توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.» پس اگر شخصی در منزل خود مشغول به ضرب سکه‌های قلب یا غیر قلب که این کار از امتیازات دولتی است، یا اینکه مشغول به ساختن خط و مهر مردم باشد برای این چنین افعال باید قانون جزائی، سیاستی معین کند که از هر کس چنین فعل خلافی صادر شود مجازات او از فلان تا فلان مدت حبس است.

پس از اینکه قانون جزائی چنین حکم نمود لازم است که اگر شخصی فاعل اعمال ممنوعه باشد دستگیر شود؟ چگونه او را دستگیر می‌نمایند؟ شخصی که باید حکم دستگیر نمودن او را بدهد کیست؟ و پس از دستگیر شدن چگونه باید نایت کرد که فعل خلافی از او صادر شده تا اینکه مفاد قانون جزائی را در حق او معمول داشت؟ این مسائل را اصول محاکمات جزائی تعیین می‌نمایند.